

"برخی از کشورهای بیگانه که بر علیه دیکتاتوری وارد عمل می شوند، تنها بدان خاطرست تا اقتصاد، سیاست یا ارتش خود را بر آن کشور حاکم سازند!"

- جین شارپ در کتاب 'از دیکتاتوری تا دموکراسی' ×



دو سال پیش ۳۰ تن باصطلاح مخالف رژیم روضه خوانان که در حقیقت زاده باندها و جناح های سیاسی خود رژیم می باشند با همکاری با ایرانستانخواهان: تجزیه طلبان] و ایرانستیزان، به داند ترامپ که هنوز رئیس جمهور آمریکا نشده بود نامه ای نوشته و از او دعوت کرده بودند تا پس از ریاست جمهور شدن، ایران را بمباران کند! در همان زمان پیش بینی کردم که این عده سرانجام با ایجاد ائتلافی به نام "اپوزیسیون برانداز"، راه را برای لیبی و سوریه شدن ایران فراهم خواهند ساخت. [[۱]] اینکه، همانند عده دو روز پیش، در روز ۲۸ شهریور ماه، با نام "فرشگرد" اعلام موجودیت کرد و به فهرست اپوزیسیون های باصطلاح برانداز افزوده شد. ولی با آنکه دو روز از پدیدار شدن این گروه می گذرد، می توان اطمینان داد که دارای هیچ ارزش و اهمیتی نیست، زیرا که نه رژیم روضه خوانان را به هراس خواهد انداخت و نه مردم ایران را نسبت به آینده اشان امیدوار خواهد ساخت و با همان سرعتی که پس از دریافت میلیون ها دلار بودجه از دولت آمریکا و پشتیبانی رسانه های بیگانه، پدیدار گشته است، بزودی به گرد مابقی اپوزیسیون های برانداز ورشکسته و ندانم کار چهار دهه گذشته خواهد پیوست! ولی مساله قابل تامل که این گروه که اکنون بهترین نمونه آن می باشد، گذشته از عدم تجربه فعالیت های سازمانی و مبارزاتی بر علیه رژیم اسلامی، مهمتر "ناآگاهی و ناآشنایی اپوزیسیون های برانداز با خلق و خوی ملت ایران" است - و این همین ناآگاهی و ناآشنایی، یکی از مهمترین عللی بوده است که رژیم را چهار دهه بر سر قدرت

نگاه داشته است و اپوزیسیون ها را وروشکسته و خوار و ناتواؤ - این همان تفاوتی است که میان شاه و مخالفینش بود، که شاه مردم را نمی شناخت، ولی مخالفین مذهبی اش بخوبی با خلق و خوی ملت ایران آشنایی داشتند! اکثریت ملت ایران مردمانی شریفند، ولی مخالفین و اپوزیسیون ها [۱] ضد رژیم نمی توانند درک کرده و یک واقعیت اجتماعی و تاریخی را بپذیرند که ملایان بیش از چهار سده است مغز آنان را شستشو داده و نهاد و درونشان را باورهای مذهبی و خرافاتی اشتباه کرده است!

برای نمونه واژه [۱] "فرشگرد" که این گروه برای نام خود برگزیده است، واژه ایست که نه تنها ۹۹٪ ملت ایران، تاکنون نه شنیده اند، نه می توانند بدرستی آن را بر زبان آورند و بجز بهدینان (زرتشتیان)، ایرانشناسان و انگشت شماری ایراندوست، حتا نمی دانند که معنا، مفهوم و فلسفه آن چه می باشد، بلکه خود کسانی که این گروه را راه اندازی کرده اند نیز این واژه باستانی را به اشتباه "فرشگرد" نوشته و بر زبان می آورند. [۲] گزینش این نام هر چند که آن را نادرست نوشته و بر زبان آورده می شود، نه تنها نشان می دهد که این عده تا به چه اندازه با فرهنگ ایران نا آشنا و غریبه می باشند، بلکه تا به چه اندازه ای با حقایق و واقعیت های اجتماعی ایران غریبه و نا آشنا می باشند. البته این گروه نه برای براندازی رژیم، بلکه برای براندازی ایران ساخته شده است. [۳] ولی اگر مخالف یا اپوزیسیونی که خود را پرچمدار سرنگونی رژیم بخواند و بخواهد قدرت را در ایران بدست گیرد، [۴] نخست نیاز مبرم بدان دارد تا نه تنها به خلق و خوی مذهبی و خرافاتی بخش بزرگی از جامعه ایرانی پی برد، بلکه بر ضد آن حرکتی انجام ندهد. همین مساله است که سازمان مجاهدین [ضد] خلق ایران را، یک سازمان خطرناک ساخته که می تواند ایران را در آینده در دست خود گیرد.



سازمان مجاهدین بر خلاف تمامی اپوزیسیون های برانداز، دارای یک تاریخچه سازمانی است که بسیار منسجم و منظم عمل می کند. نیز اعضایش بجز آنکه بگونه «اندیشه جمعی» عمل کرده، بلکه دیدگاه و باورهایشان آنیست که رهبر برایشان تنظیم می کند. بنابراین، میان دستگاه/شخص رهبری و اعضای سازمان شکاف عقیدتی و گفتاری وجود ندارد - دقیقاً بر عکس دیگر اپوزیسیون های مخالف رژیم، بویژه دو اپوزیسیون هوادار 'پادشاهی مشروطه' [۴] و 'پادشاهی پارلمانی' (با سلطنت طلبان سنتی اشتباه نشود)، که این نگارنده بدان باورمند است. نیز این گروه ضد ایرانی بجز آنکه با گروه های ایرانستانخواه [تجزیه طلب] همچون گروه های موسوم به "الاحوازی" [۵، ۶، ۷] ائتلاف پیدا داشته و آنان را در زیر چتر حمایت خود قرار داده است، بلکه سران و اعضایش برخاسته از میان قشر مذهبی و در کنار منبرهای ملایان پرورش یافته اند، که همانند روضه خوانان به خلق و خوی مذهبی مردم آشنا می باشند. آمریکائیان نیز بر این مساله واقف گشته و متوجه شده اند که تنها گروهی است که توانایی جلب قشر مذهبی جامعه را دارد و می تواند آلترناتیوی برای رژیم کنونی باشد که خود آنان در سال ۵۸ بقدرت رساندند. در اینجاست که برخی خواهند گفت، مجاهدین در ایران پایگاهی ندارند و هرگز ایران را در دستان خود نخواهند گرفت.

این که یک حقیقت است و این نگارنده در سال های گذشته هم چندین بار به آن اشاره کرده است، [۸] ولی مساله ای که در نظر گرفته نمی شود، ملت ایران همانگونه که در گذشته خود نقشی ایفا نکرده و نیز در چهل سال گذشته به تماشای همه جنایات و ستمگری های رژیم نشسته و دمی بر نیاورده است، شواهد نشان می دهد که در آینده خود نیز سهمی نخواهد داشت، بویژه آنکه بخش بزرگی از ملت ایران که دارای خویی مذهبی می باشند. بنابراین این گروه شیعه را بر هر گروه غیرمذهبی مخالف رژیم کنونی ترجیح خواهند داد.

تاریخ بهترین سند است که تاریخ تکرار خواهد شد!

آمریکا به یاری هم پیمانانش بر اساس طرح برنارد لوئیس<sup>[۹]</sup>، در سال ۱۳۵۷ رژیم شاهنشاهی را سرنگون و در سال ۱۳۵۸ خمینی و اراذل و اوباش مذهبی را بجای آن بر مسند قدرت نشاندند تا با مترسک ساختنش، منافعشان در منطقه تامین شده و ایران را به روزگاری اندازند که امروز شاهدش می باشیم. بر همین اساس، همانگونه که بیگانگان با برانگیختن حرص و طمع اکثریت که آب و برق و گاز رایگان خواهد شد، رژیم جمهوری اسلامی را در گلویشان حقه کردند، نیز مجاهدین را که هیچ، گروه یا هر شخصی دیگری، آن هم به مراتب بدتر و پلیدتر از رژیم اسلامی و مجاهدین را به آسانی می توانند به گلویشان فرو کرده و چهار دهه دیگر، نسل آینده و آواره ایران، دوباره در همین نقطه تاریخی قرار خواهند گرفت - با این تفاوت که دیگر نه برای آزاد سازی ایران از چنگال یک رژیم، بلکه از چنگال رژیم های گوناگون و برای دوباره یکپارچه ساختن ایران - ایرانستان شده، بی نتیجه و مایوسانه تلاش خواهند کرد.

بنابراین، اکنون زمان گزینش فرا رسیده است. یا مخالفین رژیم بایستی متوجه شوند که نخست، هر سخنی و واژه ای که بر ضد مذهب بر زبان جاری یا نوشته می شود یاری رسانی به جمهوری اسلامی و مجاهدین است، نیز دشمن ما باورهای مذهبی ملت ایران نیست و بلکه قشر خرافه سازیست که چهار دهه است ایران را در چنگال خود دارد؛ - دوم، اپوزیسیون های برانداز ملی گرا و ایران پرست، بایستی در زیر یک درفش ملی که پایبند به "ایران یکپارچه ایران تک ملتی و یک ملیتی" می باشند گرد آمده تا یک اپوزیسیون منسجم و سازمانی را بیا سازند؛ - و سوم، ملت ایران بایستی از این رخوت، سستی، بی تفاوتی و تک روی کنونی دست کشیده و رژیم روضه خوانان را با مبارزات مدنی و اعتصابات سراسری، بدون خونریزی، خشونت و دخالت بیگانگان<sup>[۱۰]</sup> سرنگون و ایران را آزاد و آباد می سازند -- در غیر اینصورت، غریبان یا برایشان یا یک جنگ درونی بپا ساخته و سرانجامی همچون لیبی و سوریه برایشان خواهند ساخت و یا رژیمی بمراتب پلیدتر و خونخوارتر از جمهوری اسلامی بر سر کار خواهند آورد!... گزیش با ملت است: مرگ و نیستی بدست آمریکایی - یا بهروزی و آزادی بدست ایرانی!؟

شاپور سورنپهلو

روز اردیبهشت از ماه شهریور سال ۳۷۵۶ بهدینی

۱۹ سپتامبر ۲۰۱۸ ترسایی

بازبردها [منابع] و فرانمودها [توضیحات]:

Some foreign states will act against a dictatorship only to gain their own economic, political, or× –  
” – Gene Sharp, in 'From Dictatorship to Democracy.' military control over the country.

۱ – سورنپهلو، شاپور، ” نظام وطنفروش و مخالفین خائن: پیرامون نامه نویسی سی تن باصطلاح مخالف ج. ا. به ”دالند”  
ترامپ!

۲ - تلفظ درست آن در زبان پارسی میانه (پهلوی) frašegird و در زبان اوستایی k̥r̥ti.fraš̥ می باشد. این عده حتا بخود این زحمت را نداده اند که با چند دقیقه پژوهش در یک دانشنامه، تلفظ درست این واژه را فرا گیرند!

۳ - این گروه متشکل از اعضای وابسته به جمهوری اسلامی (دو جناح دولتی اصلاح طلبان و اصولگرایان)، توده ای های پیشین و نیز قوم گرایان و ایرانستانخواهانی [تجزیه طلبانی] همچون مجید محمدی (طلبه و مدیر پیشین صدا و سیمای رژیم و جامعهشناس آمریکایی کنونی) است که در دفاع از تجزیه ایران با عنوان "کوچک زیباست" مقاله ای منتشر کرده و همواره فدرالسیم و ایرانستان شدن ایران را تبلیغ می کند. از دیگر اعضای اصلی فکری و پشت پرده این گروه، اکبر عطری (یکی از بنیانگذاران انجمن اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی) است که چند سال پیش با دریافت میلیون ها دلار از دولت آمریکا موسسه توانا، که صدای رسمی نفرت پراکنان قومی است را به همراه مریم معمارصادق بنیان گذاشته بود. مضحکانه اینست که این عده تا چندی پیش با اندیشه های شدید ضد زرتشتی، "ملی گرایی ایرانی" را "فاشیسم و نیرنگستان آریایی" می خوانند و برای تمسخر میهن پرستان، واژه "عاریایی" را برای آنان بکار می بردند، ولی امروز واژه □ اوستایی-پهلوی "فرشگرد" که ریشه در جهان بینی زرتشتی دارد را برای گروه خود برگزیده و ادعای ملی گرایی و ایران دوستی می کنند. نیز این عده چندی پیش در نامه ای به ترامپ خواهان جنگ و رویارویی نظامی با ایران شده بودند و حتا مریم معمارصادق در گفتگویی خواهان ایجاد جنگ و سوریه سازی ایران از سوی آمریکا شده و تبلیغ آن را می کرد. (<https://www.youtube.com/watch?v=EzwsYY5jK70>) بهر روی، چیزی که مسلم است آمریکا، کشورهای غربی و اسرائیل از این گروه پشتیبانی می کنند و بدینروی هم رسانه های پارسی زبان آنان، همچون بی بی سی فارسی، صدای آمریکا، رادیو فردا و رادیو اسرائیل، با رسانه ای کردنشان در صدد پروراندن آنان بر آمده اند.

۴ - اپوزیسیون های برانداز را به چهار گروه می توان بخشبندی کرد:

گروه یکم: گروه هایی که در اقلیت قرار داشته و بر این باورند بایستی رژیم بدست ملت ایران و بدون خشونت و دخالت بیگانگان انجام شود - که اعضای آنها متشکل از ملی گرایان و میهنپرستان می باشد و علتی هم که تاکنون در سرنگون سازی رژیم ناموفق بوده اند، بخاطر وجود سه اپوزیسیون دیگر می باشد. سران و اعضای این گروه ها در چهل سال گذشته نه تنها با رژیم همکاری نداشته اند، بلکه از روز نخست با آنان مبارزه نموده اند. شاخص این گروه ها در گذشته نهضت مقامت ملی

ایران به رهبری دکتر شاپور بختیار بود، که پس از ترور دکتر بختیار از هم پاشیده و دیگر جایگزینی برایش پیدا نشد. ولی اعضایش بگونه مستقل به مبارزه با رژیم ادامه داده اند!

گروه دوم: گروه هایی که به امید بیگانگان بویژه آمریکا نشسته اند تا رژیم را برایشان ساقط کرده و حکومت آینده را به دست آنان بسپارد، که بخاطر بیگانه پرستی اعضای این گروه، اکثراً متشکل از بیگانه پرستان، ایران فروشان [حقوق بگیران بیگانگان]، ایرانستان خواهان [تجزیه طلبان] و دیگر ایرانستیزان است و در صورت بر سر کار آمدن این گروه در ایران، نخست فدرالسیم حاکم خواهد شد که سرانجام به تکه پاره و ایرانستان شدن ایران پایان خواهد یافت؛ اکثریت سران این گروه ها در گذشته با نظام همکاری داشته و گروه تازه "فرشگرد" جزو این دسته می باشد!

گروه سوم: گروه هایی می باشند، که بر این باورند با مشارکت ملت و پشتیبانی بیگانگان رژیم سقوط خواهد کرد، بدون آنکه در نظر داشته باشند، در چنین صورتی بیگانه رژیمی همچون همین رژیم اسلامی که در سال ۵۷ بر سر کار آورد، دوباره خواهد آورد تا منافعشان را در منطقه تامین سازد، که در حقیقت جمهوری اسلامی ولی با نامی دیگری خواهد بود؛ صدر این گروه، سازمان مجاهدین [ضد] خلق ایران است!

گروه چهارم، اپوزیسیون های فرصت طلبند، که بالای گود نشسته و در انتظارند، یا از درون یا برون رژیم سرنگون شده و آنان با ماهی گرفتن از آب گل آلود خود را بر مسند کار سوار سازند! اکثریت سران این گروه ها در گذشته با نظام همکاری داشته اند!

۵ - برای نمونه نکته ای که بایستی بدان اشاره کرد، شاهزاده رضا پهلوی، بعنوان ولایتهد و جانشین تاج و تخت شاهنشاهی در ایران بارها تلاش کرده است که خود را مسلمان متدین نشان دهد و حتا به دفاع از اسلام زبان گشوده است. این بدان خاطر است که او تقریباً واقع گرا و به خلق و خوی مذهبی مردم ایران پی برده است - ولی هواداران ایشان، بجای آنکه

از رهبر اپوزیسیون خود فرمانبردای کنند، به او یورش برده و متهم به "اسلام پناهی" می سازندش. این تفاوت بزرگ و مهم میان اعضای سازمان مجاهدین و هواداران مشروطه پادشاهی است!

۶ - سورنپهلو، شاپور، "سازمان مجاهدین، گزینه ی آمریکایی ها برای متحد ساختن ایرانفروشان در زیر یک پرچم، برای پیاسازی یک جنگ درونی و 'ایرانسازی' ایران"

۷ - سورنپهلو، شاپور، "دیدار رئیس انگلیسی گروه تروریستی الاحواز با مجاهدین خلق"

۸ - سورنپهلو، شاپور، "همکاری گروه تروریستی سازمان مجاهدین خلق و گروه های تروریستی عرب در تکه پاره ساختن ایران"

۹ - سورنپهلو، شاپور، "خیزش ملی و اپوزیسیون های سردرگم؛ آینده برای ایران چه رقم زده است؟"

۱۰ - سورنپهلو، شاپور، "برنارد لوئیس، طراح تجزیه ایران، پدرخوانده بنیادگرایی اسلامی، سازنده ولایت فقیه و پدرمعنوی"

جمهوری اسلامی را بشناسید

۱۱ - کسانی که آیه یأس خوانده و مدعی می شوند که ملت ایران بدون یاری بیگانگان توان به زیر کشاندن این رژیم را ندارد، بایستی آدرس تاریخ چندین هزار ساله کشورمان را به آنان دهیم تا با مراجعه به آن دریابند که نیاکانمان در تاریخ رژیم های اشغالگری همچون رژیم اسلامی را تجربه کرده اند و همه آن ها بلاستثناء بدست خودشان بزیر کشانده شده اند، آنهم در زمان هایی که نیاکان آمریکایی ها و اروپائیان هنوز غارنشین بودند!

Benard Lewis Plan in motion, since 1977

Those who cannot learn from the history  
are condemned to repeat it!"

WWW.SUREN-PAHLAV.COM



WWW.SUREN-PAHLAV.COM



